

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزادل.

۳۰ اکتوبر ۲۰۱۱

فرهنگ وحشت و کشتار سرداران

جنگی عرب

۶

سوره توبه آیت ۱۲۳: ای کسانی که ایمان آورده اید با کافرانی که به شما نزدیکترند پیکار کنید آنان باید در شما شدت و خشونت احساس کنند و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.

کشتار دیگر اندیشان به دست شمشیر خدا "خالد بن ولید":

مسلمه بن کثیر بن حبیب الحنفی که شاعر توانا و زیبا فکر بود در سال دهم هجرت دعوی نبوت نمود. او مردی بود از قبیله بنی حنیفه اهل یمامه مشهور به ابو تمامه ملقب به رحمن الیمامه. او ادعا نمود که او در یافت کننده وحی از طرف خدا است. او پاکیزگی و پاک خوئی را دوست می داشت. مخالف مالیات و طرفدار زندگی خوب با همسایه ها است (شجاع الدین شفا بعد از ۱۴۰۰ سال جلد اول ص - ۲۱۰ تا ۲۱۴)

تاریخ طبری از آیات او یادمانی نموده است (ای قور باغه فرزند دو قورباغه. آنچه بر می گزینی پاکیزه است. بالایت در آب است و پائین ات در گل است. نه مانع آبخوره شوی و نه آب را گل آلود کنی.) تاریخ طبری ج ۴ ص ۱۴۱۵ آیت دیگر (ای بذر پاشان کشتکار و درو گران درو کار و بوجاران گندم باده و آسیا گران گندم نرم کن و نانواپان نان . و سازندگان ترید. و لقمه گیران لقمه از پیه آب شده و روغن . شما را بر چادر نشینان برتری داده اند و شهر نشینان از شما پیشی نگرفته اند از رو ستای خود دفاع کنید و مستمند را پناه دهید و با ستمگر دشمنی کنید.) تاریخ طبری ج ۴ ص ۱۴۱۵

ابوبکر مثل محمد پیامبر نمی خواست و میل نداشت با دیگر اندیشان صحبت و جرو بحث نماید عکرمه بن ابو جهل و سپس شمشیر خدا (خالد بن ولید) را وظیفه داد تا مسلمه و طرفدارانش را سر بزنند. مسلمه و طرفداران او علیه سپاهیان ابوبکر مقاومت نمودند و لیکن سر انجام شکست خوردند و قتل عام بنی حنیفه و سایر یاران مسلمه

شرم بزرگی است به دامان اسلام و ابوبکر. **خالد با کشتن ۱۴۰۰۰ نفر** جنبش مسلمة را سر کوب نمود هفت هزار نفر در محلی به نام دشت عقربا و هفت هزار نفر را در محلی به نام دشت مرگ-تاریخ طبری ج ۴ ص ۱۴۳۱- خود مسلمة به دست وحشی بن حرب یکی از جمله خونخواران مسلمان شده و قاتل حمزه کاکای محمد کشته شد. سرداران کثیف اسلام چون به یک منزلی اردوگاه مسلمة رسید آنها به گروهی که خفته بودند هجوم بردند که به قوی ۴۰ و به قول ۶۰ نفر بودند خالد گفت تا همه را بکشند. - ص ۴۱۸-

بعد از این همه **کشتار، مردم بیگانه** نیز از **شمشیر خالد** به دور نماندند چون بعد از فتح مردم را **اسیر گرفته** و گفت:

ای مردم بنی حنیفه شما چه می گوئید؟ گفتند:

یک پیغمبر از شما و یک پیغمبر از ما. خالد دستور داد تا همه مردم بنی حنیفه را **از تیغ بگذرانند**- ص ۱۴۲۱- ابوبکر خلیفه اول اسلام به خالد هدایت داده بود: هر کس از مردم که از دین بر گشته و مخالفت خدا کرده و **مایل باشی آنها را بکش**. - ص ۱۴۹۲- در جریان پیکار خالد با مسلمة، ابوبکر نامه ای نوشته و فرمان داد که:

تمام پسران بالغ آنها را **قتل عام کند** و قبل از این در زمان حیات محمد یکی دیگر از قربانیان شمشیر خدا (خالد بن ولید) سلمی ملقب به ام رمل از پدری به نام مالک و مادر شجاع و خردمندی به نام فاطمه ملقب به ام قرفه می باشد. کار بزرگی که سلمی انجام داد گرد هم آوردن مغلوبین و افراد پراکنده ای قبیله غطفان و سایر قبایل در محلی بنام «ظفر» و تشویق آنان در جنگ با خالد بود. تاریخ نویسان اسلامی در مورد این زن شاعر و شجاع سکوت نموده و تنها در کتاب «مجمل التواریخ والقصص» در باره وی یک اشاره داشته است (و از آن پس زنی بر خاست نام او سلمی و بسیاری عرب پیش او جمع شدند و خالد حربی کرد هرج عظیم و بسیاری قتل بود و تا **سر سلمی را نیفتند و نکشتن بر نکشتند**. «مجمل التواریخ - منبع شماره هفت - ص ۲۶۵-۲۶۶»

سلمی بعد از آگاهی و فهم در اسلام از دین اسلام بر گشته بود. او را همراه با خواهر و مادرش در رمضان سال ششم هجری در جنگی که به «سریه ام قرفه» موسوم است توسط زید بن حارثه پسر خوانده محمد اسیر می کنند خواهر سلمی به نام جاریه نصیب محمد می شود و او پس از چندی جاریه را به یکی از نز دیکان خود می بخشد. **ام قرفه که با شهامت وصف نا پذیر در مقابل لشکر مسلمانان مهاجم موضع گیری می کند به استقبال مرگ فجع و رقت بار می رود (ام قرفه را فیس بن محسر به طرز بدی کشت با این که پیره زنی سالخورده بود پا هایش را به دو شتر سرکش بستند و از هم دریده شد)** محمد بن عمر واقدی - مغازی - تاریخ جنگ های پیامبر تر جمه داکتر محمود مهدوی دامغانی ج ۲ ص ۴۲۸ « و نظر به نوشته طبری سلمی سهم عایشه می شود و مدتها در خانه عایشه به عنوان کنیز زندگی می کند سر انجام عایشه او را آزاد می کند و وی پس از مدتی سوی قوم خویش بر می گردد. این خالد یعنی **شمشیر خدا** نه تنها به ضد مدعیان پیغمبری بلکه با تمام دگر اندیشان عصر از قوت شمشیر استفاده می نمود چنانچه به اساس فرمان ابوبکر پس از شکست دادن مرتدین «**کسانی را که به مسلمانان تاخته بودند اعضاء برید و به آتش سوخت و سنگسار کرد و از کوه بینداخت و به چاه افگند و تیر باران کرد**» طبری ج ۴ ص ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴

خالد بن ولید پس از غلبه بر دگر اندیشان یا تمام اعضای قبیله را می کشت و یا آنان را به کوچ اجباری وادار می کرد سپس یک پنجم غنایم جنگی را همراه با زیبا ترین دخترانی که به عنوان اسیران جنگی اسیر و برده گرفته بودند به عنوان سهم شخص خلیفه برای ابوبکر می فرستاد و بقیه را بین سپاهیان اسلام تقسیم می کرد و چون ابوبکر پیر شده بود به فروش برده ها و کنیز ها اکتفا می نمود تا بیچاره ثروتی به هم زند. مسلمانان در نبرد

عصه ده هزار تن از آنها «مرتدان عمان» بکشتند و به دنبال فراریان رفتند و بسیار کس بکشتند و زن و فرزند به اسیری گرفتند و اموال را بر مسلمانان تقسیم کردند و خمس غنایم را پیش ابوبکر فرستادند «طبری ج ۴ ص ۱۴۵۱» «در حضر موت وقتی در گشوده شد مسلمانان به درون حمله بردند و هرچه مرد جنگی آنجا بود کشتند همه را دست بسته گردن زدند در بخیر و خندق یک هزار زن به شمار آمد. دو زن آواز خوان به دست مهاجر افتاد که یکی شان در آواز های خود ناسزای پیمبر خدا خوانده بود و دست او را ببرید و دندان های پیشین او را کند» ص ۱۴۷۸

از جمله دستور های ابوبکر این بود که «وقتی به جایی فرود آمدید آذان گوئید و اقامه نماز گوئید اگر مردم آنجا نیز آذان گفتند و اقامه نماز گفتند از آنها دست بردارید اگر نگفتند به آنها حمله کنید و بکشید و به آتش بسوزید و به طریق دیگر نابود کنید و اگر دعوت اسلام را پذیرفتند از آنها پرسش کنید اگر زکات را قبول دارند از آنها بپذیرید و اگر منکر زکات بودند بی گفت و گو به آنها حمله کنید» ص ۱۴۰۷ و ۱۴۰۸

ادامه دارد